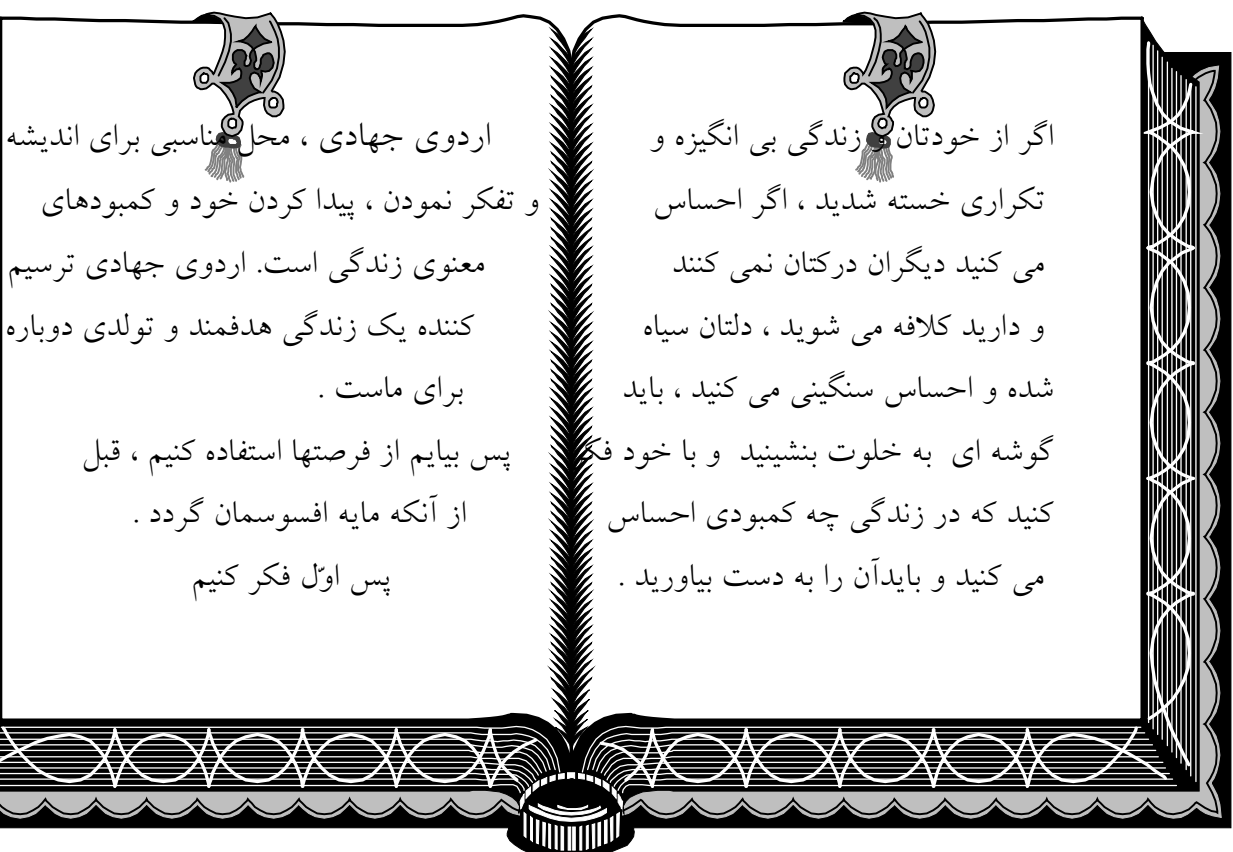




# دفتر تفکر



اگر از خودتان زندگی بی انگیزه و  
تکراری خسته شدید ، اگر احساس  
می کنید دیگران درکتان نمی کنند  
و دارید کلافه می شوید ، دلتان سیاه  
شده و احساس سنگینی می کنید ، باید  
 گوشه ای به خلوت بنشینید و با خود فکر  
کنید که در زندگی چه کمبودی احساس  
می کنید و باید آن را به دست بیاورید .

اردوی جهادی ، محل مناسبی برای اندیشه  
و تفکر نمودن ، پیدا کردن خود و کمبودهای  
معنوی زندگی است. اردوی جهادی ترسیم  
کننده یک زندگی هدفمند و تولدی دوباره  
برای ماست .  
پس بیایم از فرصتها استفاده کنیم ، قبل  
از آنکه مایه افسوسمان گردد .  
پس اوّل فکر کنیم

در باغچه‌ای درخت چناری بود و در کنار درخت چنار، پیچک کدویی نوپا،  
 سر از خاک برآورد و با تکیه بر چنار، هر روز که می‌گذشت قدی می‌کشید  
 و بخاطر سرعت رشدش، به به و چه چه سر می‌داد پس از بیست روز، پیچک  
 خوش ساقه، نگاهی به زیر پایش کرد و خود را به بلندی چنارسر به فلک کشیده  
 یافت و سر مست و مغرور صدا زد چنار! چند ساله‌ای؟ چنار تنومند و استوار  
 با تواضع و فروتنی جواب داد که سی ساله ام، پیچک به خنده افتاد و گفت:  
 سی سال داری و این قدر کوتاه مانده‌ای؟ عمر من کمتر از یک ماه است  
 و تا ماهی دیگر سر به آسمان خواهم کشید، چنار در پاسخ علف هرز، تنها لبخندی  
 زد و گفت: بگذار بر من و تو وزد، باد مهرگان آنگه شود پدید که نامرد و مرد  
 کیست<sup>۱</sup> چند ماهی گذشت و اولین بادهای پاییزی وزیدند چنار با صلابت و استوار  
 ایستاده است و هیچ لرزه و تکانی احساس نمی‌کند ولی پیچک بیچاره، آرام آرام،  
 در حال خشک شدن و جدایی از درخت چنار است در لحظه آخر، که ریشه‌های  
 علف هرز بد اقبال، در حال خروج از زمین بود، گریه کنان فریاد زد و این جمله  
 را سر داد: که ای چنار فرق من و تو در یک واژه چهار حرفی است، که تو داشتی  
 و من نه، تو به قد قامتت ریشه در خاک داری و من همه وجودم تنها، ساقه است  
 و هیچ ریشه‌ای در خاک ندارم. پیامبر اعظم (ص) انسان موفق را در سخنی به کوه سر  
 به فلک کشیده‌ای تشبیه می‌کنند که به اندازه بلندای خود ریشه و عمق دارد، اگر  
 قله‌ی کوه، با شکوه و استقامت مثال زدنی، سر به آسمان ساییده و درخت چنار، محکم  
 و استوار، در برابر طوفان حملات ایستادگی می‌کند، تنها بخاطر وجود سه جهت  
 ریشه‌های عمیق در دل خاک است.

انسان نیز، دارای سه ریشه‌ی شخصیتی ساز است، که عبارتند از:

اعتقادات، احکام و اخلاق.

<sup>۱</sup> نقل از اشعار خسرو، آشنای یک قرآن ۲ - شهید مطهری، ر.ک. ابراهیم: ۲۴.

<sup>۲</sup> دیلمی، حسن بن ابی حمزه، إرشاد القلوب الی الصواب، ترجمه طباطبایی، باب ۵، ص ۱۴۹.

اگر انسان بداند از کجا آمده است؟ در کجاست؟ به کجا خواهد رفت؟ خوشبخت و سعادتمند می شود.

آن چیست که خلق نشده اما وجود دارد؟ خداوند.

یکی از دلایل اثبات وجود خداوند نظم و هماهنگی موجود میان اجزای یک مجموعه است که همه به دنبال هدف خاصی در حرکت هستند و با نگاه به عالم هستی می توان به این تناسب پی برد. به عنوان مثال خداوند متعال بدن حیوانات را با مو و کرک و پشم پوشانیده است تا از سرما و افت ها حفظ شوند و سم های شکافته و ناشکافته به آنان داده که پاهایشان را نساید.

این که از نظم موجود در عالم پی به خالق جهان هستی می بریم، برهان نظم می گویند.

### حکایت جالب

روزی نیوتن به شخصی گفت که ماکت منظومه شمسی را برایش بسازد. زمانی که ماکت ساخته شد روزی دوست نیوتن که اعتقادی به وجود خداوند نداشت ماکت را دید و با تعجب پرسید: چه چیز جالبی است! چه کسی این ماکت را ساخته است؟ نیوتن در جوابش گفت: هیچ کس! بلکه تصادفی و خود به خود بوجود آمده است. دوستش با ناراحتی پرسید مگر من احمقم! چگونه ممکن است این ماکت زیبا بصورت تصادفی بوجود آمده باشد؟ سازنده اش فرد نابغه ای است. نیوتن با شنیدن این حرف به او گفت: تو چگونه با دیدن ماکت کوچکی از جهان، پی به وجود سازنده و خالق آن بردی اما اصل جهان هستی را بدون خالق و آفریننده می دانی! دوستش شرمند شد و جوابی نتوانست دهد. به این قانون، علیت می گویند. یعنی از معلول هایی که در جهان وجود دارند پی به وجود علتشان می بریم که خداوند متعال است.

بادمان باشد که خدا هیچ وقت ادا از یاد نبرده است

زمانی که حوادث و سختی ها در زندگی انسان رخ می دهند و همه درها به روی انسان بسته می شمعند و احساس ناتوانی و تنهایی در برابر مشکلات می کند، نیرویی به یاری او می شتابد که همان ایمان به خداوند متعال است. به عنوان مثال، اگر هر انسانی حتی آن کسی که خدا را قبول ندارد و منکر وجود خداست، در دریایی غرق شود، در همان حال ناخودآگاه رو به سوی خدا می آورد و از خدا می خواهد که به یاری او بشتابد. بنابراین ضمیر و فطرت هر انسانی خدا را می پذیرد اگر چه به ظاهر منکر خدا شود.

آن چیست که خدا ندارد؟ شریک

اثبات یگانگی خداوند

آیا می شود به جای یک خدا، دو یا چند خدا داشته باشیم ؟

فرض کنید یک باغی دو باغبان داشته باشد و هر کدام بخواهند در آن باغ چیزی که خودشان

دوست دارند بکارند، یک روز باغبان اول گل رز می کارد، اما چون باغبان دوم گل یاس دوست دارد، گل رز را بکند و به جایش یاس بکارد و همین طور ادامه یابد. در آخر هر کدام کاشت دیگری را از بین می برند و در آن باغ چیزی کاشته نمی شود و اختلال بوجود می آید.

اگر در عالم بیش از یک خدا وجود داشته باشد نظام جهان مختل می شود زیرا به عنوان مثال یک خدا دوست دارد، گیاه بیافریند و خدای دیگر دوست دارد به جای گیاه، انسان و حیوانات را بیافریند و در تمام امور هستی اختلاف نظر پیش می آید و نظام جهان در این صورت فاسد می شود.. بنابراین با وجود جهان هستی و تمام یکدستی و یکنواختی های عالم پی به خالق یکتا می بریم

خدا در هر لحظه و هرروز مهربانیش را به ما می چشاند  
و ما حتی مهربانی به خویش را تمرین نمیکنیم.

### حکایت جالب

روزی شخصی از بیابانی برای دیدن پیامبر به مدینه می آمد، در بین راه به لانه ی پرنده ای رسید. تصمیم گرفت که جوجه هایش را بردارد و به عنوان هدیه نزد پیامبر بیاورد. بعد از مدتی با جوجه ها به مدینه رسید، نزد رسول خدا رفت و جوجه ها را به حضرت تقدیم کرد. در همان زمان مادر جوجه ها که از بیابان تا شهر به دنبال جوجه ها آمده بود، خود را روی جوجه ها انداخت که این کار ناشی از محبت و علاقه بیش از حد مادر به جوجه هایش بود. در آن هنگام حضرت محمد (ص) رو به یاران کردند و فرمودند: «این محبت و مهربانی مادر جوجه ها را نسبت به جوجه هایش دیدید؟ بدانید که خداوند متعال هزار برابر این مادر نسبت به بندگانش محبت و مهربانی دارد»

در محبت خدا به بندگان همین بس که تمام مخلوقات را برای انسان خلق کرده است. حال سوالی که مطرح می شود این که ما در مقابل این همه لطف و محبت خداوند متعال چه کنیم؟ در پاسخ باید گفت که بر ماست که شکر نعمت های خداوند را به جای آوریم و خدا را عبادت کنیم. نمونه بارز عبادت نماز است که اولین ستون و پایه ی اعتقادی ماست. نماز نمودی از حرف زدن بنده با معبود خویش است و قرآن خواندن حرف زدن خداوند با بندگانش است. در حدیثی آمده است که خانه ای که در آن قرآن بخوانند و خدای متعال را یاد آرند، برکتش فزونی یابد و فرشتگان به آن خانه درآیند و شیطان از آن دوری جوید و آن خانه برای اهل آسمان نور دهد، چنانکه ستارگان برای اهل زمین نور دهند. همچنین خانه ای که در آن قرآن نخوانند و خدا را یاد نکنند، برکتش اندک شود و فرشتگان از آن خانه دوری جویند و شیاطین به آن درآیند.

چرا خداوند دست به آفرینش زده و این همه موجود و از جمله انسان را آفریده است؟

اگر دانشمند خوش بیانی سخن گفت، نباید پرسید چرا سخن گفتی؟! زیرا علم و بیان او اقتضا می کند، که یافته های علمی خود را ارائه دهد. اما اگر این دانشمند با آن همه کمالات ساکت شد و یافته های خود را کتمان کرد، زیر سوال می رود که چرا نگفتی؟  
خداوند قادر حکیم مهربان که می تواند از خاک، گندم و از گندم، نطفه واز نطفه انسان کاملی بیافریند، اگر نمی آفرید، جای سوال بود که چرا قدرت خود را به کار نگرفتی و چیزی نیافریدی؟

چرا خداوند انسان ها را متفاوت آفریده و آیا این تفاوت ها ظلم نیست؟

یک دانشمند که کتاب می نویسد ، حروف متفاوتی را در کنار هم قرار می دهد تا کتابش کامل شود، اما اگر تمام

صفحات را تنها از یک حرف پر کند، دیگر آن کتاب نمی‌شود.

تفاوت حروف ظلم نیست، اگر شما کلمه «ادب» را نوشتید، در این کلمه حرف «الف» عمودی و حرف «ب» افقی و حرف «د» خمیده است، که ترکیب آن یک کلمه معنادار می‌سازد. هیچ یک از این حروف حق ندارند به نویسنده اعتراض کنند و مثلاً «الف» بگوید: چرا من ایستاده‌ام؟ «ب» بگوید: چرا من خوابیده‌ام؟ و «د» بگوید: چرا من خمیده‌ام؟ زیرا ظلم در جایی است که مثلاً حرف «د» قبلاً خمیده نبوده و ما کمر او را خم کرده باشیم و یا از حرف «د» صدای دیگری توقع داشته باشیم. اما اگر از آغاز، «د» را خمیده خلق کردیم و از آن انتظار صدای خودش را داشتیم، ظلمی در کار نیست.

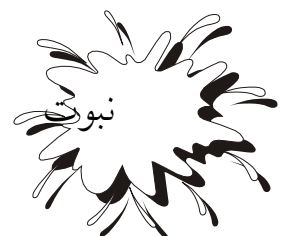
چنانچه اگر یک قالی بزرگ را با چاقو تکه تکه کنیم و آن را به صورت چند قالیچه کوچک در آوریم، ظلم است؛ چون بزرگی را از او گرفتیم و کوچکش کرده‌ایم. اما اگر از آغاز قالیچه‌های کوچکی بافتیم، اینجا ظلمی صورت نگرفته است، چون کمالی را از آن نگرفته‌ایم.

هیچ کس به مدیران کارخانه‌های چینی سازی که ظروف کوچک و بزرگ و متفاوتی را تولید می‌کنند، ظالم نمی‌گوید، چون هیچ ظرفی از اول نبوده و از خود کمالی نداشته تا کمالش گرفته و به او ظلمی شده باشد.

تفاوت انسان‌ها در خلقت نیز براساس حکمت الهی است، نه آنکه ظلم به کسی باشد؛ زیرا از هر کس به همان مقدار که به او داده شده، انتظار می‌رود، نه بیشتر.

زمین برای انسان است اما انسان برای زمین نیست.

درس دوم



## چه نیازی به پیامبر داریم؟

فرض کنید تمام امکانات برای راه اندازی مدرسه‌ای فراهم شده است؛ مدرسه‌ای با تجهیزات کامل از جمله: کلاس، آزمایشگاه، کتابخانه، امکانات آموزشی و ... دانش آموزان نیز در کلاس حاضرند، اما معلمی در کار نیست. و یا اتاق عملی را تصور بفرمائید، کاملاً مجهز، بیمار نیز آماده، ولی دکتر جراحی در کار نیست. نظام هستی هدف‌دار است و انسان جزئی از هستی است، پس نمی‌تواند یله و رها باشد. انبیاء معلمان بشر و جراح افکار و عقاید انسان‌ها هستند، که اولاً انسان را آموزش می‌دهند و ثانیاً غده‌های متورم بیماری‌زا را از میان افکار و عقاید انسان جدا کرده و دور می‌اندازند، و آن را با فکری نو هماهنگ با فطرت ترمیم می‌بخشند.

### ویژگی‌های پیامبران

در روایات ما آمده است که ۱۲۴۰۰۰ پیامبر از طرف خداوند متعال برای هدایت بشر فرستاده شده اند. که البته با توجه به تاریخ هزاران ساله ی بشر و شرایط و امکانات محدود زمان های قدیم این تعداد بسیار طبیعی به نظر می رسد. در میان این پیامبران پنج تن را اولوالعزم می نامیم. آن چه از روایات اهل بیت علیهم السلام و الصلاه به دست می آید پیامبران اولوالعزم پنج نفر بوده اند با این ترتیب :

حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت محمد بن عبدا.. علیهم الصلاه والسلام و ویژگی ایشان، علاوه بر صبر و استقامت ممتاز، این بوده که هر کدام از ایشان کتاب و شریعت مستقلی داشته اند و پیامبران معاصر یا متأخر از شریعت آنان تبعیت می‌کرده اند.

گاه به مشکل بزرگی برخوردید ، نگوئید خدایا مشکل بزرگی دارم ، بلکه بگوئید ای مشکل ، من خدای بزرگی دارم .

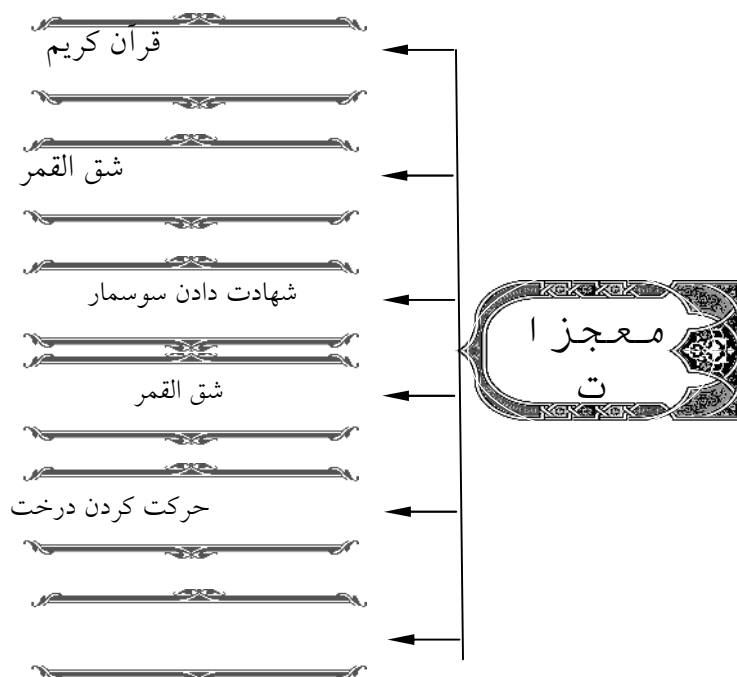
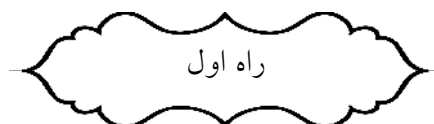
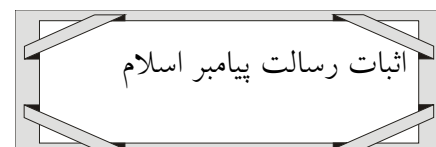
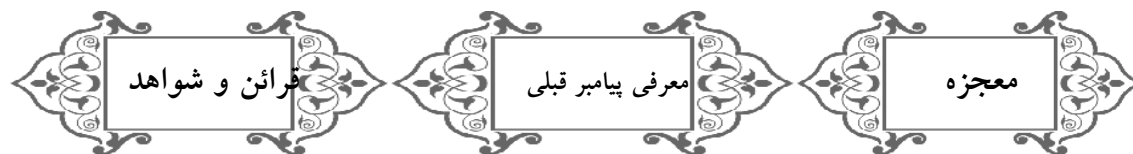
از کجا بفهمیم مدعی نبوت و پیامبری در ادعایش راستگوست؟

اگر کسانی مقاماتی مانند، سفارت، فرمانداری، استانداری و امثال آن را ادعا کنند تا سند معتبری به مردم نشان ندهند احدی زیر بار آن ها نمی‌رود، چه رسد به مدعیان مقام رسالت و نمایندگی از جانب خداوند متعال، چه مقام و منصبی بالاتر از اینکه فردی ادعا کند، من سفیر الهی و نماینده‌ی خداوند در روی زمین هستم و همه باید از من پیروی کنند.

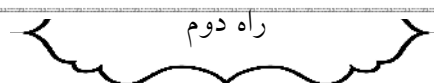
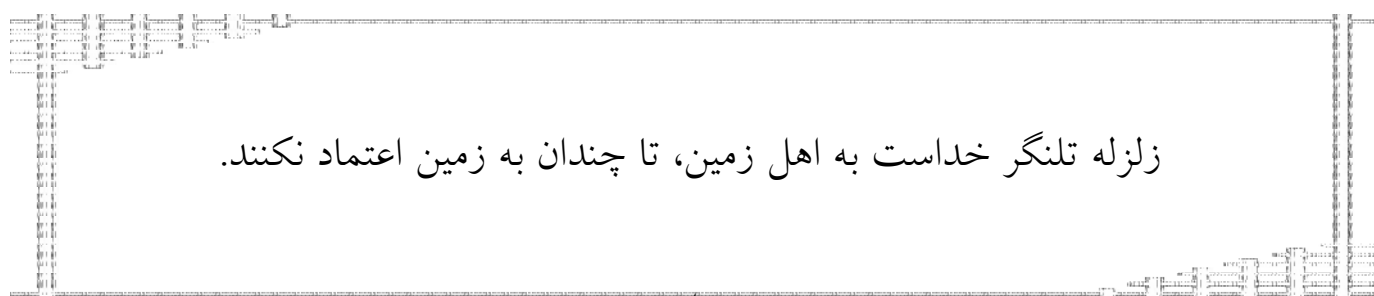
فطرت هیچ انسانی اجازه نمی‌دهد ادعای بدون دلیلی را بپذیرد؛ زیرا صفحات تاریخ هم گواه است که در گذشته عده‌ای جاه طلب

گروهی ساده دل را فریب داده و مدعی نبوت و رسالت شدند، از این جهت دانشمندان عقائد برای شناسایی پیامبران راه‌ها و نشانه‌هایی را معین کرده‌اند که هر کدام می‌تواند سند زنده‌ای برای حقانیت انبیاء باشد.

سه نشانه:



سلام کردن سنگ به حضرت



پیامبران پیشین، بشارت بعثت آن حضرت را داده بودند<sup>۱</sup> و گروهی از اهل کتاب، انتظار ظهور



او را می کشیدند و نشانه های روشن و گویایی از وی در دست داشتند<sup>۴</sup> و حتی به مشرکان عرب می گفتند که از میان فرزندان حضرت اسماعیل (ع) (که قبایلی از عرب را تشکیل می دادند) کسی مبعوث به رسالت خواهد شد که از پیامبران پیشین وادیان توحیدی راتصدیق خواهد کرد<sup>۵</sup> و بعضی از دانشمندان یهود ونصاری با استناد به همان پیشگویی ها، به آن حضرت ایمان آوردند<sup>۶</sup> هر چند بعضی دیگر در اثر انگیزه های نفسانی و شیطانی از پذیرفتن دین اسلام سر باز زدند.

### راه سوم

مردم مکه، چهل سال زندگی پر افتخار آن حضرت را از نزدیک دیده بودند که کوچکترین نقطه ی تاریکی در آن، یافت نمی شد و آن چنان او را به راستگویی و درست کرداری شناخته بودند که لقب «امین» به آن حضرت (ص) داده بودند. و طبعاً در مورد چنین شخصی احتمال دروغ و ادّعای کذب، داده نمی شد.

بزرگترین اشتباه را کسانی مرتکب میشوند که فکر میکنند فقط دیگران اشتباه میکنند.

### درس سوم

#### معراج تفکر

<sup>۴</sup> . رک: سوره ی اعراف / آیه ی ۱۵۷، سوره ی بقره / آیه ی ۱۴۶، سوره ی انعام / آیه ی ۲۰  
<sup>۵</sup> . رک: سوره ی بقره / آیه ی ۸۹  
<sup>۶</sup> . رک: سوره ی مائده / آیه ی ۸۳ احقاف / ۱۰

## ضرورت امامت

اگر راننده ای که می خواهد مسافرین را به مقصد برساند در وسط راه آنها را رها کند آیا کار درستی انجام داده است. در این صورت مردم متحیر و سرگردان در نیمه راه باز می مانند. بنابراین اگر راننده ای نمی تواند مسافرین را تا مقصد همراهی کند باید کسی را به جای خود بگذارد تا آنها را به مقصد برساند. رسول اکرم (ص) نیز که راهنمای مردم برای رسیدن به سعادت است باید جانشینی داشته باشد که ادامه دهنده راهش باشد.

اگر شخصی باغی عظیم را بنا کرد و تمام لوازمات رشد را برای درختان آن فراهم نمود محال است باغبانی با تجربه و آگاه را برای باغ قرار ندهد. اگر خداوند تشنگی داده است در مقابل آب را هم داده و اگر گرسنگی داده است غذا را هم آفریده و اگر انسان را طالب کمال آفریده حتماً لوازمات کمال را که مهمترین آنها حجت الهی و فرستاده پروردگار است نیز قرار داده است.

پیامبر (ص) قبل از رحلت خویش در بازگشت از آخرین سفر حج، امامت امام علی (ع) را به مردم اطلاع دادند. حضرت نه تنها در این واقعه (غدیر) بلکه در مواقع مختلف تاکید مداومی بر جانشینی حضرت علی (ع) داشتند. همچنین رسول اکرم (ص) امامان بعد از امام علی (ع) را نیز برای مردم اعلام نمودند.

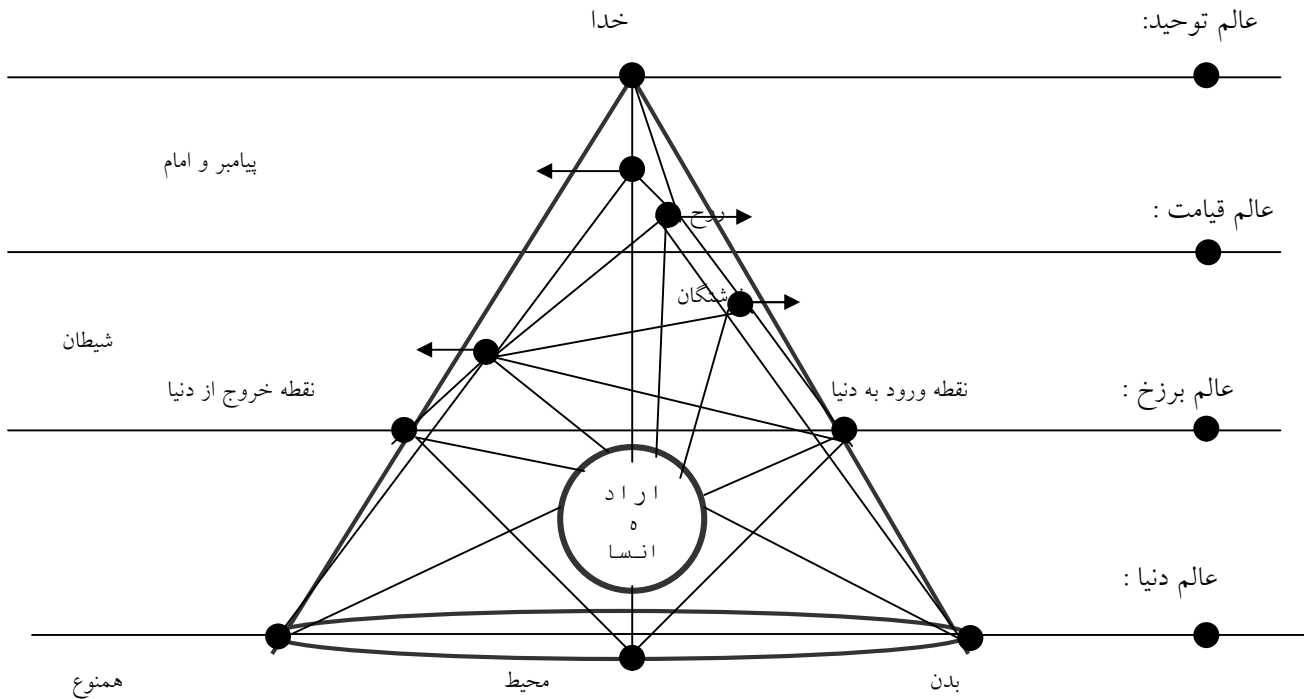
اهل بیت (ع) واسطه عشق به خداوند و رساننده ی ما به حق تعالی هستند.



به نظر شما امام چه نقشی در زندگی ما دارد ؟

فطرت بشر کمال خواه است و کمال یعنی اینکه از محدودیتها خارج شویم و به بی نهایت ، یعنی خداوند برسیم .

### « شبکه هستی »



ما در عالمی زندگی می کنیم که تمام اجزاء آن بدون استثناء به هم مرتبطند و در یکدیگر تأثیر می گذارند و همه به سوی هدف واحد که ذات بینهایت خداوند است ، حرکت می کنند . ما در دایره اراده قرار داریم ، و با حجم عظیمی از اثر گذاری ها و اثر پذیری ها ( ارتباطات ) درگیر هستیم و هر سویی که بخواهیم برویم خطوط دیگر ما را به سوی دیگری می کشانند .



باید ارتباطات را تنظیم نماییم : یعنی مشخص شود که در هر کدام از محورها چه برنامه ای اجراء شود و چه تأثیری بر انسان داشته باشد ، تا جمع بندی تمام تأثیرات ، تقویت و تشدید حرکت به سوی خدا باشد .

اگر پیام خدا را خوب دریافت نکردید به فرستنده دست نزنید، گیرنده هارا تنظیم کنید.

در شبکه هستی امام چه نقشی دارد ؟

هنر و تخصص امام (علیه السلام) به جریان انداختن توجّه به خدا و فعال سازی حرکت به سوی خدا ، در تمام زوایای زندگی بشر است ، مدیریت شبکه هستی برای تربیت انسانها به عهده امام ( علیه السلام ) است .

آمده ایم تا با زندگی کردن قیمت پیدا کنیم نه به هر قیمتی زندگی کنیم .

پس باید امام زمان  
خویش را بشناسیم تا  
بتوانیم برای رسیدن  
به مقصد نهایی از او  
کمک بگیریم .

رسیدن به خدا

هدف بشریت در زندگی :

رساندن به خداست

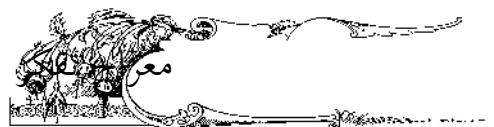
هنر و تخصص امام (علیه السلام) :

کارگاه تفکر : با کمک دوستان حلقه و یا مربی ، در این موضوع ، سؤالی را ، طرح نمایید و به آن پاسخ دهید .

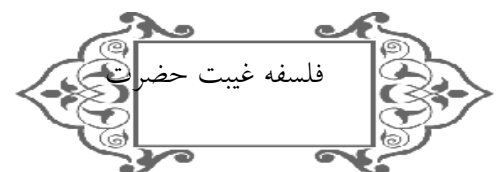
پاسخ

پرسش

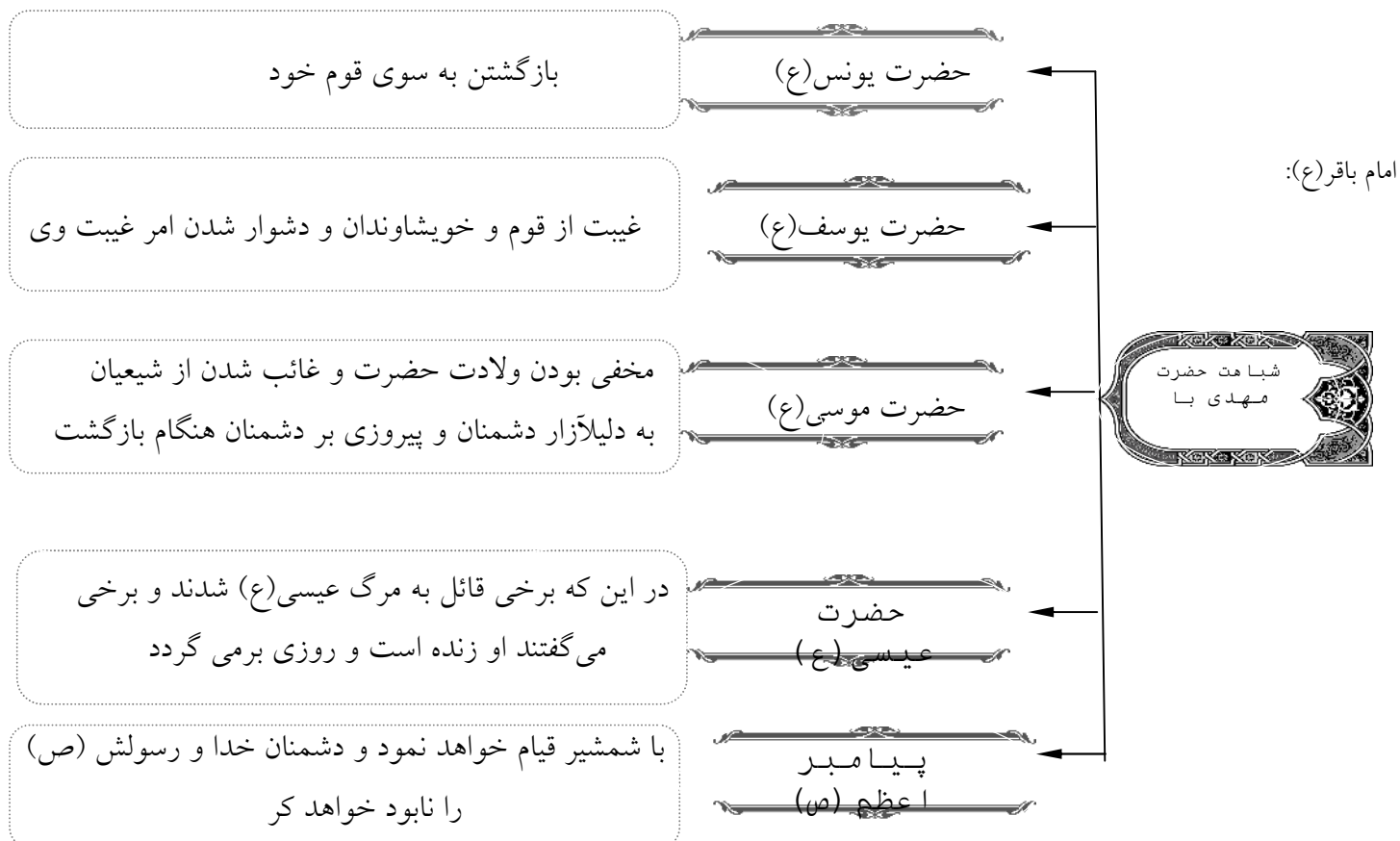
از خاک فاصله گرفتن هنر دانه ها و جوانه هاست،  
دانه های پوک و پوسیده در اسـارت خاک می ماند.



درس چهارم



پنهان شدن خورشید از ناحیه خورشید نیست، بلکه به دلیل ابرهاست که میان دیدگان انسان ها و خورشید فاصله می شود غیبت امام زمان(عج) نیز از ناحیه ایشان نیست بلکه به دلیل موانعی چون بیم کشته شدن، عدم آمادگی فکری توده های مردم و... است. همچنین خورشید برای همیشه پشت ابر باقی نخواهد ماند و پنهان شدن آن در پشت ابر نباید موجب نومیدی گردد و غیبت امام زمان(عج) نیز روزی به پایان می رسد و نباید از ظهور ایشان مایوس گشت. بلکه باید با امید به ظهور ایشان، خود را برای بهره مند شدن از نور وجود او به طور کامل آماده ساخت.



مهدی جان

من منتظرم تا تو بیایی      تا باغ شود پر از گل یاس  
لبریز شود تمام صحرا      از عاطفه و صفا و احساس

انسانی که منتظر مهمان است، دست روی دست نمی گذارد که مهمان از راه برسد، بلکه منزل را تمیز می کند، بهترین امکانات آسایش را و رضایت را برای مهمان فراهم می کند، غذا تهیه می کند و .. بنابراین ما نیز در زمان انتظار فرج نباید تنها انتظار را به زبان بیاوریم بلکه در عمل باید فضا را برای ظهور حضرت(عج) آماده نماییم و مهم تر این که خانه دل را صفا و جلا بخشیم و احکام و دستورات الهی را انجام دهیم تا بتوانیم رضایت مولایمان را به دست آوریم



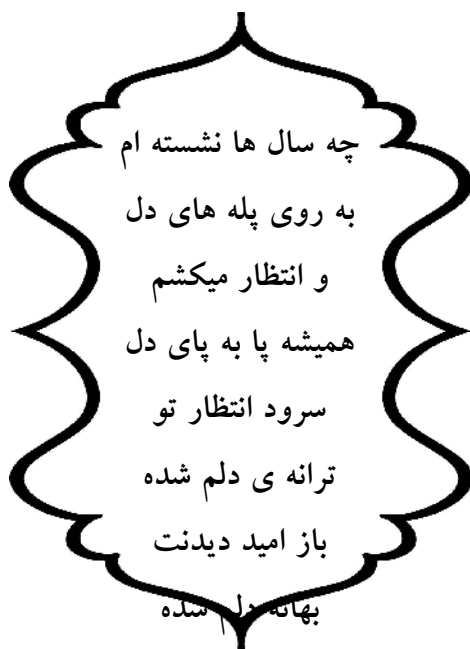
منتظر کسی است که از وضع جامعه آلوده به گناه رنج می برد و برای وضع بهتر تلاش می کند. منتظر کسی است که اعمال صالح انجام می دهد و از گناه و معصیت پرهیز می کند. به علاوه برای اصلاح مردم تلاش می کند و در برابر گنهکار می ایستد. اهل بیت (ع) از پدر و مادر به ما نزدیک تر و مهربان تر هستند. پدر و مادر فرزندان خود را پاره ی تن خود می دانند و تحمل ناراحتی فرزندان را ندارند، حاضرند به خاطر فرزندان خود را به زحمت بیاندازند. هر رنج و سختی که به فرزندان برسد آن ها بشتر احساس رنج می کنند. این حالات در امام زمان (عج) نسبت به شیعیان بسیار شدید تر از والدین است. رنج و سختی ما برای حضرت سخت است، بلکه سختی که در گرفتاری های شیعیان به حضرت می رسد بیشتر از آن چیزی است که به خود شیعیان می رسد. حضرت شریک غم های ما هستند. چقدر برای حضرت سخت است که فرزندان خود را غافل و نا مهربان با پدر می بیند و با وجود نیاز شدیدی که به او دارند، تنها منجی و پناهگاه و پدر دلسوز خود را رها کردند و به جای اینکه به او پناه ببرند، از او فاصله می گیرند.

اهل بیت (ع) به ما نزدیکتر از پدر و مادر هستند. والدین اصل و ریشه جسمانی و دنیوی ما هستند، ولی اهل بیت (ع) حقیقت روح و ذات ما و ریشه ی الهی و ابدی ما هستند.

گاهی بعضی ها از حضرت (عج) چهره خشن و بی رحمی ترسیم می کنند که اگر ظهور کند همه را گردن می زند و این باعث شده که ما در انتظار حضرت (عج) به سر نبریم، در حالیکه این بر خلاف حقیقت است. او به همه ما فرموده که برایش دعا کنیم تا زودتر بیاید و در جمع فرزندان حاضر باشد و به گرفتاریهایشان پایان بخشد. او رحمت و واسعه ی خداوند است برای نجات بشر و آبادانی زمین، و شوق او برای رسیدن به ما بیشتر از ماست.

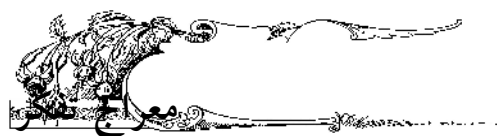
بنابر این زمانی که امام زمان (عج) ظهور می کنند حکومت عدل و داد به پا می شود و ستمگران ریشه کن و نابود می شوند. مهدی(عج) کسی است که دادخواهی خون بی گناه امام حسین و یارانش را می کند و تمام ظلم های امروز جامعه، ظلم های مردم فلسطین، افغانستان، عراق و... مردم بی پناه را دادخواهی می کند و حکومت عادلانه ای در پرتو امن و امان در جامعه به وجود می آید.

اگر یک روز امام زمان (علیه السلام) را ملاقات کنید، از ایشان چه خواسته ای دارید؟



حکایت دل :

شخصی از حضرت آیه الله بهجت پرسیدند : جزیره خضراء ، که این همه درباره آن بحث می شود ، کجاست :  
حضرت آیه الله بهجت (ره) فرمودند : جزیره خضراء آن دلی است که امام زمان (علیه السلام) در آن تاب بیاورد .  
باید از خویش بپرسیم که چرا حجت حق  
خیمه را امن تر از خانه ما می داند ؟



درس پنجم

خداوند در شب معراج با صدای امام علی (علیه السلام) با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) تکلم فرمود:

کشف الیقین ۲۲۹

شعار و شعور

دانستیم که وظیفهٔ مردم رسیدن به خداست و برای پیمودن راه ، نیاز است به یک برنامه جامع و کاملی که طراح آن تمام نیازهای بشر را کاملاً بداند ، لذا خالق انسان این برنامه جامع را برای بشر ، در قالب دین ( کتابهای آسمانی ) طراحی نموده است ، و پیامبرانی را برای بیان آن و راهنمایی مردم فرستاده است .

### علم و عمل راه نجات

قرآن و احادیث در نزد ما چه جایگاهی دارند ، آیا فقط شعار شیعه بودن سر می دهیم و در عمل حتی از منحرفین دین ( اهل سنت ) کمتر عمل می نماییم .  
دیگران چگونه با کتابهای ما برخورد می کنند و ما چگونه با کتابهای دیگران برخورد می کنیم .  
آیا این ظلم نیست ما سخنان دیگران ( دانشمندان غربی ) را از کلام خالقمان زودتر بپذیریم .

جرج جرداق مسیحی ( استاد ادبیات عرب در لبنان ) در مورد نهج البلاغه می گوید :  
جاذبه های کلمات امام علی ( علیه السلام ) شوری در من ایجاد کرد که ۲۰۰ بار نهج البلاغه را مطالعه کردم .

پیامبر(ص) فرمودند:

«یک ساعت تفکر مساوی است با هفتاد سال عبادت!»

بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۳۲۶

عامل توبه

در عاقبت گناه

عامل زهد

در فنای دنیا

عامل حب به خدا

در نعمتها

عامل تواضع

در حوادث عبرت آور

عامل کنترل هواهای نفسانی

در مرگ

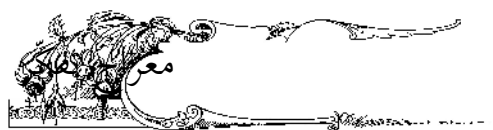
عامل مقایسه و رشد

در احوال بزرگان



عامل مصونیت از گناه	در عواقبت کار	←	تفکّر
عامل خوف از خدا	در عذاب الهی	←	
عامل توکل به خدا	در ضعفها	←	
عامل اعتصام و اراده قوی	در وسوسه	←	
عامل عبرت	در تاریخ	←	
عامل ایمان به خدا	در آفریده های الهی	←	
عامل تسلیم در برابر فرمان خدا	در آیات و احکام خدا	←	
عامل تهذیب	در مفسد اخلاقی	←	
عامل استقامت	در سختیهای دیگران	←	
عامل احسان به آنها	در نیکی های پدر و مادر	←	

دیروز که گذشت ، فردا هم معلوم نیست که بیاید ، پس امروزت را دریاب .



درس ششم



حکایت جالب

روزی عزیر نبی(ع) سوار بر مرکب از محلی می گذشت که دید شهری تبدیل به خرابه شده است. در سایه‌ی دیوار خانه‌ای خراب پیاده شد. افسار حیوان را به کناری بست و مشغول استراحت بود درحالی‌که سبد غذایش کنار بود و ناگهان چشمش به چند استخوان افتاد. با تعجب گفت: «خداوند چگونه دوباره

اهل این شهر را زنده می کند؟» در همین فکر بود که خوابش برد. خداوند بعد از سالیان درازی عزیر را بیدار کرد و به او خطاب کرد که چه مدت خوابیده ای؟ او نگاهی به اطراف کرد و گفت: «یک روز یا نصف روز» یک دفعه به یاد الاغش افتاد، افسار بود اما الاغ نبود و چند تکه استخوان بزرگ منار ریسمان افتاده بود و در کنارش سبد غذایش سالم بود. در آن صدا آمد که «تو صد سال است که مرده ای این هم استخوان های الاغ توست. اگر می خواهی بدانی خدا چگونه مردگان را زنده می کند به استخوان های الاغت نگاه کن» در آن هنگام استخوان ها یکی پس از دیگری شروع به حرکت کردند و بعد از آن گوشت و پوست رویید و تبدیل به الاغ زنده شد. در آن هنگام عزیر سر بر خاک نهاد و خدا را شکر کرد.

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، صص ۴۷-۴۸.

### چرا برخی از قیامت و مرگ می ترسند؟

راننده زمانی در جاده می ترسد که یا بنزین ندارد، یا قاچاق حمل کرده، یا اضافه سوار کرده، یا با سرعت غیر مجاز رفته، یا جاده را گم کرده، یا در مقصد جایی را آماده نکرده و یا همراهانش نا اهل باشند. اگر انسان برای بعد از مرگ خود، زاد و توشه لازم را برداشته باشد، کار خلاف نکرده باشد، راه را بداند، در مقصد جایی را در نظر گرفته باشد و دوستانش افراد صالح باشند و حرکتش طبق مقررات و مجاز باشد، نگرانی نخواهد داشت.

### چرا انسان ها از مدت عمر خویش با خبر نیستند؟

در پنهان بودن مدت عمر اشخاص مصلحتی است؛ زیرا اگر هر کسی مدت عمر خویش را بداند اگر عمرش کوتاه باشد زندگی را برایش گوارا نخواهد بود و پیوسته در غم و ناامیدی به سر می برد. اگر عمرش طولانی باشد امید به بقا باعث می شود که در لذت دنیا و معاصی حق تعالی فرو رود به این امید که لذت خویش را انجام دهد آخر کار توبه نماید. بنابراین بهترین راه این است که مدت عمر مشخص نباشد تا در تمام عمر انسان منتظر مرگ خویش باشد و گناه مرتکب نشود و ترک معاصی و اطاعت خداوند را نماید.

هدف از معاد

مرگ پایان زندگی نیست بلکه به منزله ی پلی است که انسان را به جهان دیگر منتقل می کند،  
جهانی که هزاران برابر بزرگ تر از این دنیاست، اما انسان ها از آن وحشت دارند؛ همچون کودکی  
که در جنین مادر است، تا زمانی که بیرون نیامده است هر چه از جهان و بزرگی و زیبایی آن بگوییم،  
برایش قابل درک نیست و نمی تواند بپذیرد که دنیایی بزرگ تر از دنیای او باشد  
دنیا مزرعه ای است برای آخرت، هم چنانکه کشاورز هرچه در زمین بکارد، همان محصول را  
برداشت می کند، انسان نیز هر کاری انجام دهد در قیامت همان را برداشت می کند. بنابراین کسیکه  
در این دنیا کار نیک انجام داد در قیامت بهشت نصیب او می شود و کسی که در دنیا کار زشت  
و ظلم و ستم کرد، در قیامت عذاب جهنم محصول اوست.

خاک آغوشی برای مردگان است،  
چرا زندگان به آن دل بسته اند!

آری، دنیا مزرعه ای است برای آخرت، هم چنانکه کشاورز هرچه در زمین بکارد،  
همان محصول را برداشت می کند، انسان نیز هر کاری انجام دهد در قیامت همان را  
برداشت می کند. بنابراین کسی که در این دنیا کار نیک انجام داد در قیامت بهشت  
نصیب او می شود و کسی که در دنیا کار زشت و ظلم و ستم کرد،  
در قیامت عذاب جهنم محصول اوست.

روزی حضرت رسول(ص) به اصحاب خویش فرمود: فقیر و بینوا کیست؟ اصحاب جواب

دادند: کسیکه درهم و دینار(پول) نداشته باشد.

حضرت فرمود: خیر، بینوا کسی است که در قیامت حق اشخاصی به گردن او باشد (مانند غیبت، ناسزا، تهمت و....)، کارهای نیک خود را در مقابل حقوق مردم به صاحبان حق می دهند و اگر کار نیکش تمام شد گناهان کسانی که بر این شخص حق دارند را برداشته و بر او بار می کنند، این چنین شخصی فقیر واقعی است.

زمانی، مصطفی، داستان ها و پندها، نشر آزادی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۸.

« فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ »

هر کس هر عملی به اندازه ذره ای هم انجام داده باشد در قیامت محاسبه می شود و دریغ نمی شود.

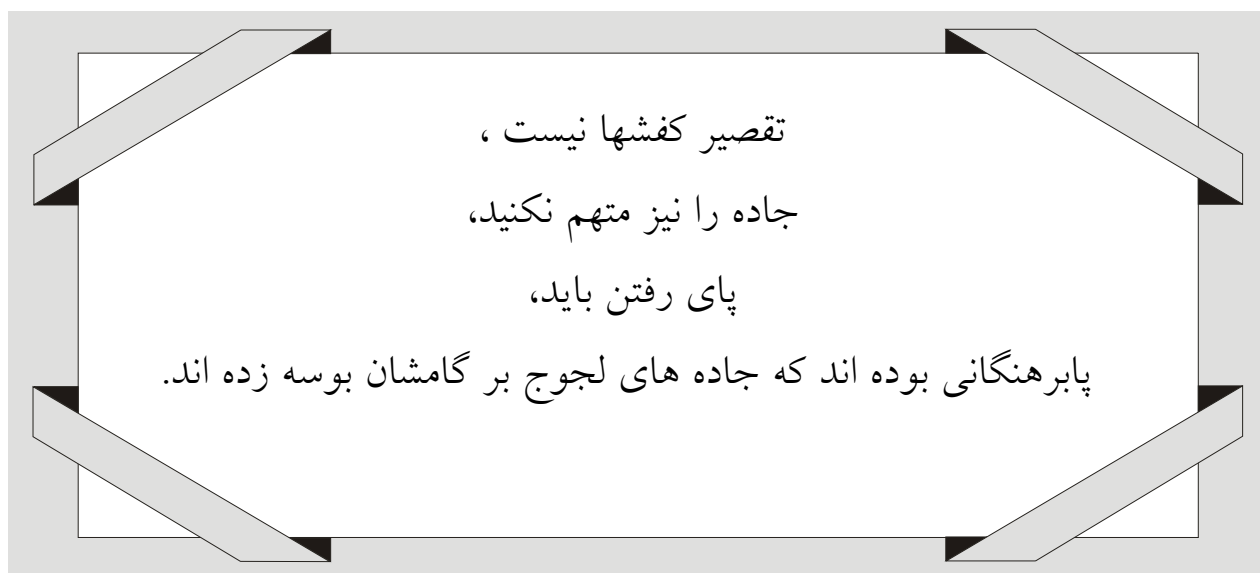
زلزال، ۷-۸

چرا خداوند به شیطان مهلت داد که انسان را گمراه سازد؟ آیا این با عدل خدا سازگار است؟

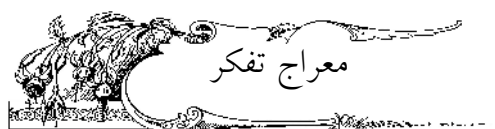
از آن جایی که شیطان شش هزار سال خدا را عبادت نمود و از طرفی مشیت عمومی خدا بر این است که به عبادت کنندگان پاداش دهد، شیطان نیز استحقاق پاداش داشت و از خدا خواست که پاداش عبادتش در دنیا به او عطا شود. در نتیجه به جهت عداوت با انسان از یک سو و لجاجت و تکبر از سوی دیگر فریب دادن انسان ها را به عنوان پاداش خود تعیین کرد. به علاوه نقش شیطان در گمراه ساختن انسان، جز در حد تشویق به گناه و آرامش آن و وسوسه نیست و هرگز تسلط جبری ندارد. در قرآن کریم نیز به این مطلب اشاره شده است که شیطان خطاب به گنهکاران می گوید: «من بر شما سلطنت نداشتم جز این که شما را فراخواندم و شما اجابت کردید.» (ابراهیم، ۱۱) بنابراین انسان به حکم عقل و فطرت و رهنمودهای انبیاء می تواند بر آن غلبه کند.

حکایت جالب

امام صادق فرمودند: روزی رسول اکرم (ص) با یارانش در سرزمینی بی آب و علف فرود آمد و فرمود: هیزم بیاورید. یاران عرض کردند که این جا سرزمین خشکی است که هیچ هیزمی یافت نمی شود. پیامبر (ص) فرمود: هر کدام هر قدر می توانید جمع کنید. همه رفتند و هیزم ها را نزد پیامبر آوردند و تعداد بسیاری هیزم جمع شد. رسول اکرم (ص) فرمودند: گناهان نیز این گونه انباشته می شوند. از گناهان کوچک



درس هفتم



در قیامت مردم از قبر ها پراکنده می شوند و بیرون می آیند تا پاداش و جزای اعمال نیک و بد خود را ببینند. در قیامت زلزله ای عظیم رخ می دهد و به حدی وحشتناک است که هزاران شیردهی از شدت ترس از طفل شیرخوار خود غافل می شوند و هر زن آبستنی بچه اش را سقط می کند و مردم در آن روز از شدت ترس و وحشت مست به نظر می رسند. زمانی که در صور دمیده می شود کوه ها و زمین از جای خود حرکت می کند و در هم شکسته می شود و قیامت بر پا می شود. روز قیامت روزی است که مال و فرزند و پدر و مادر هیچ کدام برای انسان نفعی ندارد و هر کدام از دیگری فرار می کند و در صدد نجات خویش است. در حدیثی از رسول اکرم آمده است که زمانی که خداوند خلایق را زنده می کند ملائکه ی شداد جهنم را به سوی محشر می کشانند در حالی که آتش های آن شعله کشیده است. سپس صراط را بر بالای آتش نصب می کنند برای آن که مردم از صراط عبور کنند

اولین چیزی که از انسان پرسیده می شود وقبولی اعمال مشروط بر آن می باشد، چیست؟ نماز



پلیس راهی را در نظر بگیرید که از راننده ای گواهینامه رانندگی مطالبه می کند. اگر راننده، گواهینامه پزشکی، گذرنامه سیاسی، پروانه ساختمان، کارت بازرگانی و اجازه اجتهاد و یا هر مدرک دیگری به او نشان دهد، پلیس از او نمی پذیرد و تنها اگر گواهینامه رانندگی داشت اجازه عبور می دهد و گرنه مانع او می شود. در قیامت نیز شرط رسیدن به مقصد، گواهینامه نماز است که اگر نباشد، هیچ عملی مورد قبول و نجات بخش نیست.



در محشر ایستگاه های زیادی است و هر ایستگاه به نام یکی از واجبات دین و به نام یکی محرمات دین است مانند: نماز، روزه، حجاب، ربا و... مردم به هر یک از ایستگاه ها که می رسند اگر در مورد آن واجب کوتاهی نمودند در آن جا توقیف می شوند و از ایشان مطالبه می کنند. در یکی از ایستگاه های قیامت به قدری جمعیت زیاد می باشد که راه عبور بسته می شود و از شدت تنگی مردم بر یکدیگر سوار می شوند و نفس ها تنگ می شود و عرق از بدن ها می ریزد و چنان بر آنها مشکل می شود که صدایشان به گریه بلند می شود و این اولین هول و وحشت روز قیامت است. سپس از جانب خداوند خطاب می رسد که از این ایستگاه نخواهید گذشت مگر آن که هر مظلومی حق خود را از ظالم بگیرد و هر مظلومی برای مطالبه حق، به ظالم خویش می چسبد.



در حدیثی از رسول اکرم (ص) است که ۱۰ گروه از امت من به شکل های مختلف وارد صحرای محشر می شوند:

- ۱- گروهی به صورت بوزینه و میمون وارد محشر می شوند که آن ها کسانی از امت پیامبر هستند که ، سخن چین بوده اند.
- ۲- گروهی به صورت خوک وارد محشر می شوند که افرادی هستند که مال حرام می خورند.
- ۳- گروهی سر نگون وارد محشر می شوند ، آن ها افرادی اند که ربا و نزول می خورند.
- ۴- گروهی کور وارد محشر می شوند، افرادی اند که به ظلم و جور در میان مردم حکم می کنند.
- ۵- گروهی لال و کر وارد محشر می شوند، آن ها افرادی اند که کارهای خوب را بسیار پنداشته اند و عجب آن ها را گرفت.
- ۶- گروهی در حالی که زبان خود را می جووند وارد محشر می شوند، آن ها کسانی اند که به علم خود عمل نمی کردند.

- ۷- گروهی با دست و پای بریده وارد محشر می شوند، آن ها افرادی اند که همسایگان خود را اذیت می کردند.
- ۸- گروهی بد بو تر از مردار گندیده وارد محشر می شوند، آن ها افرادی هستند که از راه حرام خوش گذرانی و شهوت رانی می کرده اند.
- ۹- گروهی لباس آتشین به تن دارند، کسانی اند که بر مسلمین متکبر بودند.
- ۱۰- گروهی برهنه و بر آتش بر دار آویخته وارد محشر می شوند، آن ها کسانی اند که بدگویی مسلمانان را نزد حاکم می کردند.
- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

همان، صص ۱۹۷-۱۹۵.



«اگر قبرستان جایی است که مردگان را در آن به خاک می سپارند، پس ما قبرستان نشینان عادات روز مرگ ها را کی راهی به معنای زندگی است!

اگر مقصد پرواز است، قفس ویران بهتر. پرنده ای که مقصد را در کوچ میابد از ویرانی لانه اش نمی هراسد.»



## درس هشتم

شاید امروز به فردا نرسد

نمی توان برگشت و آغاز خوبی داشت ، اما می توان آغاز کرد و پایان خوبی داشت . توبه و بازگشت ، آغازی دوباره و جبران گذشته ماست ، بدی های ما را تبدیل به خوبی و ما را به خداوند نزدیک می نماید .

بازگشت به خویشتن

<p>شخصی در حضور امام علی ( علیه السلام ) بدون توجه لازم گفت : استغفرالله ، امام فرمود : مادرت بر تو بگرید ، می دانی معنای استغفار چیست؟ استغفار درجه والا مقامان است و دارای شش معناست .</p>	
<p>۱ - پشیمانی از آنچه گذشت .</p>	<p>ارکان توبه</p>
<p>۲- تصمیم به عدم بازگشت . ( در مدت عمر )</p>	
<p>۳- پرداختن حقوق مردم ، چنانکه خدا را پاک دیدار کنی که چیزی بر عهده تو نباشد .</p>	<p>شرایط قبول توبه</p>
<p>۴- تمام واجبهای ضایع ساخته را بجا آوری ( توبه الهی )</p>	
<p>۵- گوشتی که از حرام بر اندامت روییده ، با اندوه فراوان راب کنی ، چنانکه پوست به استخوان چسبیده ، گوشت تازه بروید .</p>	<p>شرایط کمال توبه</p>
<p>۶- رنج طاعت را به تن بجشانی چنانکه شیرینی گناه را به او چشانده بودی ، پس آنگاه بگو « استغفرالله » .</p>	
<p>نکته بسیار مهم : مراد امام علی ( علیه السلام ) استغفار کامل است و منظور حدیث ، این نیست که استغفار کردن بدون</p>	

این مجموع ۶ امر لغو و بی فایده است ، زیرا استغفار با اخلاص خالی از ثواب نیست .

در کودکی

در جوانی

در پیری

پس کی خدا

دوست عزیز : گناه نکردن آسانتر از توبه کردن است ، اما اگر گناهی از ما سر زد ، باید زود توبه کنیم ، چون شاید دیگر موفق به توبه نشویم و بمیریم و یا شاید اصلاً فراموش کنیم که چنین گناهی را مرتکب شدیم و یا آن گناه چنان قلب ما را قسی نماید که در توبه را به رویمان ببندند .

هرکس که گناهی کند ، هفت ساعت از روز را به او مهلت می دهند ( که توبه نماید ) پس اگر سه مرتبه گفت : « استغفرالله الذی لا اله الا هو الحی القيوم » آن گناه را ثبت نمی کنند .

امام صادق ( علیه السلام ) معراج السعاده ص ۱۵۲

وعده فردا را به خود ندهیم

خوشگذرانی در دوره جوانی به امید توبه کردن در دوران پیری حيله خطرناک شیطان است زیرا : پیری محصول کشت جوانی است ، چند نفر گناهکار سراغ دارید که در پیری توانسته باشند خود را متحول سازند ؟ و چه تعداد از آدمهای گنهکار به پیری رسیده اند و فرصت توبه پیدا کرده اند؟ دشمن قسم خورده انسان ( شیطان ) می گوید : مردم را وعده و نوید می دهم و داخل گناه می کنم ، هر وقت می خواهد توبه کند ، می گویم حالا زود است .

بهترین زمان برای توبه ، دورانی است که توبه آسانتر و جبران گذشته راحتتر است و آن دوران دوران جوانی است . پیامبر ( صلی الله علیه و آله و سلم ) : هیچ چیز نزد خدا محبوب تر از توبه جوان نیست .

چون خدا پشیمانی بنده را از گناهی بداند ، پیش از آنکه آمرزش بخواهد وی را بیامرزد .

پیامبر ( صلی الله علیه و آله و سلم ) نهج الفصاحه ۲۶۵۰

چگونه بدانیم خداوند توبه ما را پذیرفته است ؟

٬٬œíñòÈ/ vj

„zÈ ÂvûÂ

ûzûz70ß v, öfz

„zuöw ûÂ ûvûN'fz

کارگاه تفکر : با کمک دوستان حلقه و یا مربی ، در این موضوع ، سؤالی را ، طرح نمایید و به آن پاسخ دهید .

پاسخ

پرسش

موضوع





خیلی دیر است اگر در قیامت بفهمیم برای چه آفریده شده ایم.



## درس نهم

در هنگام نماز خواندن فکر کنید که این آخرین نماز شماست ، پس چطور ... ؟

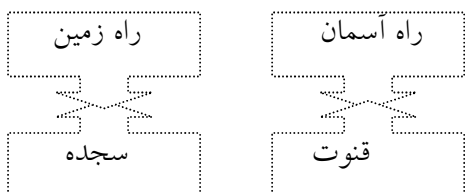
چرا باید نماز بخوانیم ؟

یک مثال زیبا : میوه و درخت : درخت (خداوند) - میوه (انسان) : میوه در صورت اتصال و ارتباط با درخت تمام عناصر مجذوب درخت را بهره مند می شود ، اما مادامی که از درخت جدا شود (خراب) می شود و رشد و تکامل و شادابی خود را از دست می دهد . ( نماز پل ارتباطی میان انسان و خداست . )

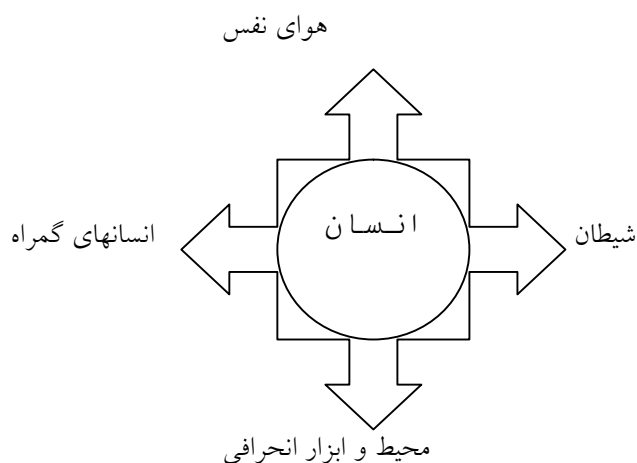
انسان از چهار طرف ، محاصره و مورد هجوم قرار

می گیرد و باید از این مهلکه نجات پیدا کند .

دو راه برای خلاصی از این مهلکه وجود دارد :



این دو راه در نماز طراحی شده است .



یا که اصلاً آدمی دیگر شویم

باید ای دل اندکی بهتر شویم

چرا ما در نماز بی حالیم و نشاط کافی نداریم؟

امام سجّاد (علیه السلام) فلسفه کسالت را در دعای ابوحمزه ثمالی چنین می فرماید :

خدایا چرا من در هنگام نماز شادمان نیستم :

شاید مرا از درگاه خود راندی ؟

شاید به خاطر یاوه گویی ها توفیق کم شده است ؟

شاید مرا صادق نمی دانی ؟

شاید رفیق بد در من اثر گذاشته ؟ ....

آیا می  
دانید که :  
۷۰٪ از  
مجرمین  
قضای  
نماز  
نمی خوانند

بخاطر بسپاریم ، همراهی خدا با انسان ، مثل نفس کشیدن است ، آرام ، بی صدا و همیشگی

۱۰

### راهی به سمت خدا

راهی که از عالم بالا و بالاتر از علم ما باشد.

بن بست غلات



راهی که انسان را پشیمان نسازد .

بن بست واقعی



راهی که بر حسب نیازم باشد

بن بست وهابیت



راهی که با فطرت سالم هماهنگ باشد .



بن بست زید

راهی که از هرگونه خطا و انحراف دور باشد.

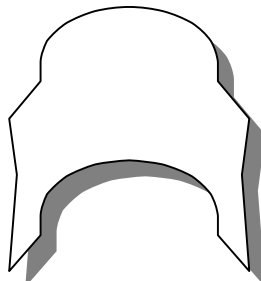


بن بست بها ئیت

راهی که انسان در حرکت در آن شک نکند.



بن بست صوفیه



راهی که ترسیم کننده آن مرا دوست داشته

اسلام و شیعه

راهی که به بهشت متصل سازد .

باشد ، راهی که از همه صافتر و نزدیکتر و

این راهی است که در نماز از خداوند طلب

روشن تر باشد .

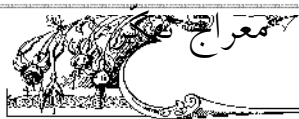
پیامبر و ائمه

می کنیم : « اهدنا الصراط المستقیم » .

انسانهای کوچک با بلوغ به تکلیف میرسند

و انسانهای بزرگ با انجام تکلیف به بلوغ میرسند

درس دهم



فکر کنید مرده اید و دوباره زنده شدید ، چگونه شروع می کنید ؟

می اندیشم که :

من چه کسی هستم ؟ از کجا آمده و برای چه آمده ام ، به کجا باید بروم و به چه چیزهایی نیاز دارم ؟ راه درست را

از چه کسی باید بپرسم و چه کسی مرا در این راه همراهی خواهد نمود ؟

راهی که الآن در پیش گرفته ام به کجا خواهد رسید ؟؟؟

ناجی کیست ؟

از ما خواهند پرسید :

ای انسان عمرت را در چه راهی صرف کردی

و جوانیت را چگونه گذراندی . اموالت را از

چه راهی بدست آوردی و آن را چگونه

مصرف نمودی .

پس بیاییم تا دیر نشده به حساب خود برسیم

قبل از آنکه به حسابمان رسیدگی شود .

یاد کن آنگاه که در مقابل فامیل و فرزندان

افتاده ای ، نه طیبی هست که تو را از مرگ

نجات دهد و نه دوستی که تو را نفع رساند

آنگاه که جان به گلویت رسیده

و گفته شود : کیست ناجی ؟!

امام هادی (علیه السلام) منتهی آلامال ص ۳۷۲

سه سوال کلیدی :



چگونه می میرم ؟  
( طبیعی یا شهادت )

کجا می میرم ؟  
( رختخواب یا ... )

کی می میرم ؟ ( پیری  
یا جوانی )

بار سفر چه بسته ای ، مرگ خبر نمی کند .

وای از آن روزی که بیدار شویم و ببینیم که وقت رفتن است .

## حکایت جالب

شخصی در اثر سلوک معنوی با حضرت عزرائیل ( ملک الموت ) در ارتباط بود. آن شخص از ملک الموت درخواست نمود که چند روز قبل از رسیدن روز موعود ( مرگ ) او خبر کند تا خودش را برای مرگ آماده کند . عزرائیل قبول کرد تا اینکه یک روز عزرائیل برای قبض روح آن شخص رفت . مرد خیلی تعجب کرد و گفت : مگر شما به من قول ندادید که مرا خبر کنید . عزرائیل فرمود : آری من به شما خبر دادم ، اما شما به آن توجه نکردید ، یادت هست چند روز پیش همسایتان از دنیا رفت ، من همان روز به شما خبر دادم .

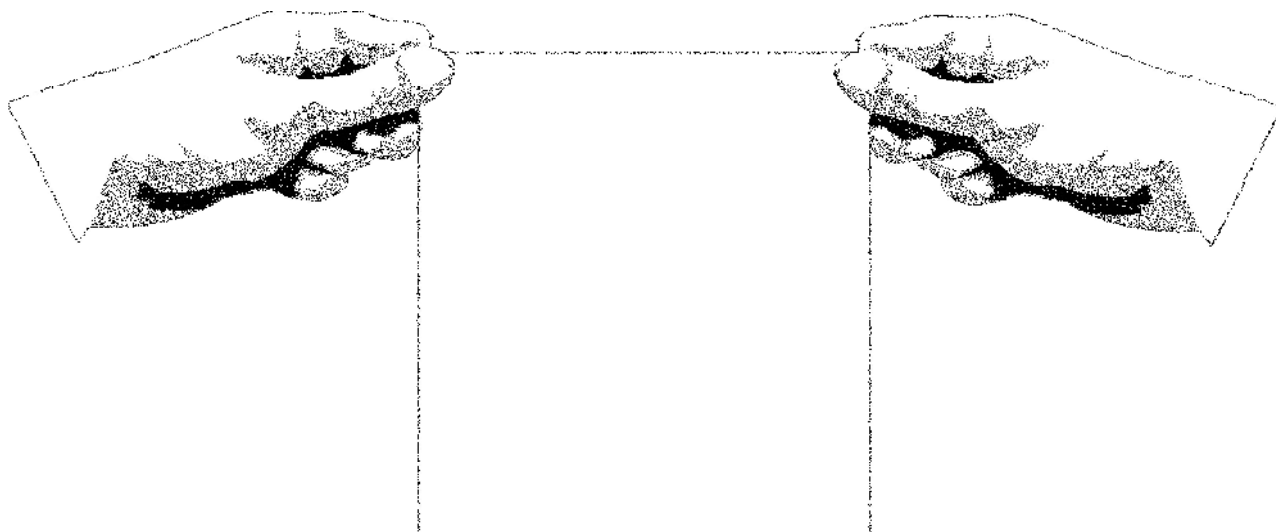
برای دنیا به گونه ای کار کن که

گویا همیشه زندگی خواهی کرد

و برای آخرت چنان تلاش کن

مثل اینکه قرار است فردا بمیری .

امام کاظم ( علیه السلام ) وسائل باب ۲۸



عمر انسان بطور متوسط اگر هفتاد سال باشد ، حساب کنید اگر روزی یک گناه انجام دهد ، چند مخالفت با خداوند متعال انجام داده است .